



کاروان عشق

درآمدی بر پیشینه و آیین‌های عزاداری هیئت‌های حائری استان همدان

پژوهش و نگارش:

علی اصغر حمدیه

محسن صیفی‌کار

سرشناسه:	حمدیه، علی اصغر، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور:	کاروان عشق: درآمدی بر پیشینه و آیین های عزاداری هیئت های حسینی استان همدان / پژوهش و نگارش علی اصغر حمدیه، محسن صیغی کار.
مشخصات نشر:	تهران: نشر طلایی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۷۵۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۹۹۳-۰۹-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
عنوان دیگر:	درآمدی بر پیشینه و آیین های عزاداری هیئت های حسینی استان همدان .
موضوع:	حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- سوگواری ها
موضوع:	Laments -- ۶۸۰ - ۶۲۵ . Hosayn ibn 'Ali, Imam III
موضوع:	سوگواری ها -- ایران -- همدان (استان)
	Mourning customs -- Iran -- Hamadan (Province)
شناسه افزوده:	صیغی کار، محسن، ۱۳۴۶ -
رده بندی کنگره:	BP۲۶۰۶۳
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۷۴
شماره کتابشناسی ملی:	۶۹۸۱۲۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیبا



نشر طلایی

کاروان عشق

درآمدی بر پیشینه و آیین های عزاداری هیئت های حسینی استان همدان

پژوهش و نگارش: علی اصغر حمدیه و محسن صیغی کار

صفحه‌آرا: خلیل الله بیگ محمدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت واژه پرداز اندیشه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۹۳-۰۹-۷

قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۰

مراکز پخش:

همدان: بلوار فلسطین، خیابان خبرنگار، اداره ی کل تبلیغات اسلامی استان همدان تلفن: ۰۸۱-۳۴۲۲۲۳۰۰

وبسایت رسمی: tebyan-hamedan.ir

تهران: خیابان طالقانی غربی (بین میدان فلسطین و خیابان وصال شیرازی) خیابان سرپرست جنوبی، بن بست پارس، پ ۱۱، واحد ۲.

تلفن: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹، همراه: ۰۲۱-۶۶۴۳۸۳۰۶۶

www.talace.ir nashre.talace@gmail.com

فهرست مطالب

۱

آغازین سخن

.....روضه‌ی اول.....

سوگنامه‌ی خورشید؛ نگاهی به سوگواری و آیین‌ها

۱۷

۱. سوگواری از ایران باستان تا ایران اسلامی

۱۷

الف: گذری بر تاریخ عزا در ایران باستان

۱۹

ب: گذری بر تاریخ عزا در ایران اسلامی

۲۳

۲. نخستین سوگواری‌های حسینی

۲۹

۳. ایران شیعی

۴۱

۴. محدودیت‌های حکومتی

۵۰

۵. آیین‌های عاشورایی

۵۱

الف: آیین‌های زنده

۶۰

ب: سنت‌ها و آیین‌های عزا از نگاه جهانگردان

۶۴

ج: گزارشی مهم از همدان!

.....روضه‌ی دوم.....

کاروان عشق؛ روایت‌های مسیر عاشقی

۶۹

۱. همدان شیعی

۷۳

- روستای لتگاه همدان

- ۷۵ ۲. هیئت های کهن استان
۷۵ الف: همدان
۸۰ ب: نهاوند
۸۱ ج: ملایر
۸۵ ۳. پیشباز محرم
۸۷ الف: سیاه پوشان
۹۴ ب: آیین های رخصت یا مولا و شال
۹۶ ج: منبر اول
۹۶ ۴. قافله ی عشق
۹۶ الف: مسیر عشق
۱۰۵ ب: دسته های صنفی
۱۰۷ ج: شور انقلاب در لاسته ها
۱۱۳ ۵. کاروان غم
۱۱۵ الف: اجزای کاروان
۱۱۵ ۱. پرچم طلایه دار
۱۱۵ ۲. پرچم شناسنامه
۱۱۷ ۳. پیشروان
۱۱۸ ۴. حجله ی حضرت قاسم علیه السلام
۱۱۹ ۵. طبق
۱۱۹ ۶. نهر علقمه
۱۱۹ ۷. دسته ی موزیک
۱۲۰ ۸. پرچم فاصله
۱۲۰ ۹. گهواره ی علی اصغر علیه السلام
۱۲۰ ۱۰. خیمه گاه
۱۲۰ ۱۱. عِماری
۱۲۱ ۱۲. کاروان تعزیه
۱۲۲ ۱۳. دسته ی زنجیرزن
۱۲۲ ۱۴. دسته ی سینه زن

۱۲۳	۱۵. دسته‌ی رختی‌ها
۱۲۳	ب: نشانه‌های ارادت
۱۲۳	۱. علامت
۱۲۹	۲. چلچراغ
۱۳۱	۳. تَوغ
۱۳۳	۴. بیل امام‌زاده یحیی
۱۳۴	۵. علم غیبی مریانج
۱۳۵	۶. گُتل
۱۳۶	۶. روایت‌های مسیر عشق
۱۳۶	الف: نوبت عاشقی
۱۴۰	ب: اصطلاحات عاشقی!
۱۴۵	ج: رقابت‌های عاشقی!
۱۵۰	د: چهارپایه خوانی
۱۵۴	ه: وانت بارخوانی!
۱۵۴	۷. برکت مولا
۱۵۴	الف: سفره‌های نور
۱۷۵	ب. سنت هَلیم‌پزان
۱۷۸	ج: از سفره‌های خانگی
۱۸۰	د: سفره‌های بانوان
۱۸۲	ه: نذور حسینی

www.ketab.ir

	روضه‌ی سوم
	سَقّای ادب؛ سَقّایی و هیئت سَقّایان
۱۸۹	۱. سَقّای ادب
۱۹۲	۲. سَقّا و سَقّایت
۱۹۵	۳. سَقّاخانه‌ها
۲۰۱	۴. چشمه‌قنات‌ها
۲۰۳	۵. سنگاب مسجد جامع

۶. چایخانه / آبدارخانه ۲۰۳
 ۷. هیئت سقایی همدان ۲۰۶
 ۸. کسوت و ملزومات سقاییان ۲۲۰

روضه‌ی چهارم.....

چاووش هنر؛ جلوه‌های هنر در روایت عاشورا

۱. کاروان هنر عاشورایی ۲۲۵
 ۲. تعزیه و شبیه‌خوانی ۲۲۶
 الف: اقسام تعزیه ۲۲۷
 ب: تعزیه‌سرایان استان ۲۳۱
 ج: دسته‌های تعزیه در نهاوند ۲۳۴
 د: موافق‌خوانان و مخالف‌خوانان رزن ۲۳۶
 ه: تعزیه در ملایر ۲۳۷
 و: تعزیه در کبودرآهنگ ۲۳۹
 ز: تعزیه در اسدآباد و بهار ۲۴۰
 ح: تعزیه در مریانج ۲۴۱
 ط: تعزیه در همدان ۲۴۳
 ۱. تعزیه‌ی سیّار ۲۴۵
 ۲. ملزومات تعزیه ۲۴۶
 ۳. تعزیه‌ی صامت ۲۴۸
 الف: دسته‌ی بنی‌اسد ۲۴۸
 ب: دسته‌ای متفاوت ۲۴۹
 ۳. نقالی و پرده‌خوانی ۲۵۱
 الف: نقالی ۲۵۲
 ب: نقالان همدانی ۲۵۳
 ۱. مرشد عبدالحسین عصمتی (عبدالحسین شانه‌ساز) ۲۵۴
 ۲. مرشد چلاق ۲۵۵
 ۳. مرشد محمد بشیریه ۲۵۶

آغازین سخن

عشق و عزای حسین (علیه السلام) و گریه بر آن حضرت، گویی امری ازلی و ابدی و در تقدیر بشر بوده است! در روایات به این مهم بارها اشاره شده است. وقتی که حضرت آدم (علیه السلام) از بهشت بیرون شد از کاری که کرده بود و از فراق حوا و بهشت، آنقدر گریه کرد، که روی صورتش دو شیار مثل جوی درست شد... تا چهل سال این گریه ادامه داشت، و او از کرده‌ی خود پشیمان و تائب بود و توبه کرد. خداوند متعال توبه‌ی او را پذیرفت و حضرت جبریل (علیه السلام) را فرستاد که کلماتی به حضرت آدم (علیه السلام) بیاموزد و آن کلمات همان بود که پیش از آن در عرش دیده بود.

حضرت جبریل (علیه السلام) به او فرمود: «بگو: یا حَمْدُ بَحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عَالِی بَحَقِّ عَلِیٍّ، یا فَاطِرُ بَحَقِّ فَاطِمَةَ، یا مُحَسِّنُ بَحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ مِنْكَ الْإِحْسَانُ».

وقتی حضرت آدم (علیه السلام) به اسم امام حسین (علیه السلام) رسید، اشکش جاری شد و قلبش به درد آمد. فرمود:

«ای برادر! جبریل! چرا در ذکر پنجمین اسم که حسین است، قلبم شکست و اشکم جاری شد؟»

جبریل فرمود: «ای آدم! به این فرزندان مصیبتی وارد می‌شود که تمام دردها و غم‌ها و مصیبت‌ها پیش آن ناچیز است؟»

آدم (علیه السلام) فرمود: «ای برادر! آن مصیبت چیست؟»

جبریل (علیه السلام) واقع‌ی کربلا را برای او می‌گوید، و می‌فرماید: «او را تشنه و غریب و بی‌یار و یاور شهید می‌کنند... او را مانند گوسفند از پشت سر ذبح می‌کنند و مال و کاروانش را به تاراج می‌برند... سر او و یارانش را شهر به شهر می‌گردانند...»

۱. قال: یَقْتُلْ عَظْمَانًا غَرِیبًا وَحِیدًا فَرِیدًا، لَیْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَلَا مُعِینٌ وَلَوْ تَرَاهُ یا آدَمُ وَهُوَ یَقُولُ وَاعْظَمُ شَأْنًا وَاقِلَّةَ نَاصِرَاهُ حَتَّى یَحُولَ الْعَظْمُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ السَّمَاءِ کَالِدُخَانٍ فَلَمْ یُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالشُّیُوفِ وَشَرِبَ الْحُثُوفَ، فَبَدَّعَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ مِنْ قَفَاءٍ وَیَنْهَبُ رَحْلَهُ أَغْدَانَهُ وَتَشْهَرُ رُؤُوسُهُمْ هُوَ وَانْصَارَهُ فِی الْبُلْدَانِ وَمَعَهُمُ الْتَشْوَانُ کَذَٰلِکَ سَبَقَ فِی عِلْمِ الْوَاجِدِ الْمَنَّانِ.

حضرت آدم علیه السلام تا این واقعه را شنید، مثل مادری که جوانش را از دست داده، بلند بلند گریه کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/ ۲۴۵)

زیارت و ندبه و گریه و عزاداری برای حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از مستحبات بسیار موعود است و در منابع شیعی و سنی احادیث و اعمال و فضیلت‌های فراوانی در این باره وارد شده است: ریان بن شیب می‌گوید: «روز اول ماه محرم به محضر امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت (در خلال حدیثی مفصل) فرمود:

«ای پسر شیب! محرم، ماهی است که در عهد جاهلیت [هم] آن را محترم می‌شمردند و ظلم و جنگ در آن را حرام می‌دانستند؛ اما این امت، نه حرمت این ماه را نگه داشتند و نه حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله را. در این ماه فرزندان پیامبر را کشتند و زنان او را اسیر کردند و اثاث او را غارت کردند.

خداوند هرگز این جرم آن‌ها را نبخشد. ای پسر شیب! بر حسین علیه السلام گریه کن که او را مثل گوسفند سر بریدند و هجده نفر از مردان خاندانش با او کشته شدند که در روی زمین مانند ندارند و آسمان‌های هفت گانه و زمین‌ها در قتل او گریستند... ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی چندان که اشک تو پر گونه‌های روان گردد، خداوند هر گناهی که کرده باشی، کوچک یا بزرگ، اندک یا بسیار می‌آموزد... ای پسر شیب! اگر دوست داری در درجات بالای بهشت با ما باشی، به سبب حزن ما محزون، و برای شادمانی ما شاد باش.» (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۴۷ و ۴۸). از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که «حسین علیه السلام به ستم کشته شد و خداوند به اندوه و تشنگی دل افسوده، قسم یاد کرده که هر گاه غمگین و افسرده دل و گناه کار و تشنه و رنجوری به زیارت او رود و خدای را نزد او بخواند و به حسین علیه السلام تضرع جوید، خدای عز و جل، غم او را دور کند و خواسته‌ی او را عطا فرماید و گناهش بیامرزد و بر عمرش بیفزاید و روزی او را وسیع گرداند.» (شعرانی، ۱۳۸۵: ۵۰۳).

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روایات شگفت انگیز است! گاهی زیارت آن جناب از زیارت کعبه بالاتر و برای زائرش پاداشی برابر صدها حج و عمره بیان شده است و خوف و خطر و بهانه مانع از ترک آن نمی‌تواند باشد (محدثی، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

«هر عملی منقطع می‌شود هر چند ثوابش بماند، مگر زیارت حسین علیه السلام که خودش منقطع نخواهد شد تا روز قیامت.» صفوان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که «چون شخص به زیارت حسین علیه السلام بیرون رود هفتاد هزار ملک از اطرافش به مشایعت آیند و همراه او باشند. پس چون زیارت نمود آن سرور را، نماند ندا کند که آمرزیده شدی پس عملت را از سر گیر، و چون مراجعت نماید مشایعت کنند او را تا منزل پس وداع کنند و همیشه به زیارت او آیند، تا وفات

۱. يَا بَنَ شَيْبٍ! اِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنَ حَتَّى تُصَيِّرَ دُمُوعَكَ عَلَيَّ خَدَيْكَ غَفَرْتُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانْ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانْ أَوْ كَثِيرًا... يَا بَنَ شَيْبٍ! اِنْ سَرَّكَ اَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا مِنَ الْجَنَّةِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا.

کند، آنگاه هر روز به زیارت حسین علیه السلام روند، ثوابش برای آن شخص باشد.» (شوشتری^۱، ۱۳۹۳: ۲۸۰-۲۸۱).

عبدالجلیل قزوینی رازی^۲ در کتاب *النفص* درباره‌ی فضیلت و فراگیری گریه بر امام در بین همه‌ی مسلمانان می‌گوید: «تعزیت حسین بن علی علیه السلام داشتن متابعت فرمان رسول؟ ص؟ است که گفت: «مَنْ بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ أَوْ أَبْكَى وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» هر کس بر حسین علیه السلام بگرید یا کسی را بر وی بگریاند واجب است او را بهشت، تا هم علما داخل باشند و هم مستمعان رَدّاً عَلَى التَّوَصُّبِ وَ الْخَوَارِجِ. و شیعه به دلیل جزع و فزع مخصوص نیستند. در همه‌ی بلاد اصحاب شافعی و بلاد اُحْجندی و ابومنصور ماشاده و مجد همدانی و خواجه بونصر هسنجانی^۳، و شیخ بوالفضائل مشاطه و ابومنصور حفده و قاضی ساوه و سماعیان، و خواجه ابوالمعالی جوینی و نزاری و علماء رفته و باقیان از فریقین، در موسم عاشورا این تعزیت با جزع و فزع و نوحه و زاری داشته‌اند و بر شهداء کربلا گریسته و این معنی از آفتاب ظاهر تراست...» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۹۲).

و از زُراره روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای زرارہ، آسمان بر حسین علیه السلام چهل روز خون گریست و زمین چهل روز گریه کرد تا این که سیاه و تاریک شد و خورشید چهل روز گریست به منکسف شدن و سرخ گشتن.» (همان: ۴۵۴).

از حضرت باقر العلوم علیه السلام روایت شده است که: «گریستند آدمیان و جنیان و مرغان و وحشیان بر حسین بن علی علیه السلام تا اشک ایشان فرو ریخت.» (محدث قمی، ۱۳۷۹: ۱/ ۷۲۷). و نیز امام حسن علیه السلام به برادرش امام حسین علیه السلام فرمود: «بعد از شهادت تو، از آسمان خون می‌بارد و گریه می‌کند بر تو همه چیز، حتی وحوش در صحراها و ماهی‌ها و دریاها.» (همان).

گریه بر امام حسین علیه السلام اندوه از دست دادن انسانی متعالی است. داغ سنگین قدر نشناختن والاترین انسان و چهره‌ی محبوب خداست و معلوم است که این گریه فاصله‌ی میان ما و چنین

۱. شیخ محمدتقی شوشتری، (۱۲۸۱-۱۳۷۴ ه.ش.) معروف به «علامه شوشتری» و «علامه تُستری» از رجالیان شیعه در قرن چهاردهم شمسی است. شوشتری در حوزه‌های علمیه ایران، نجف و کربلا تحصیل کرد. وی در مخالفت با کشف حجاب به عتبات مهاجرت کرد و پس از سیری شدن حکومت رضاشاه به شوشتر بازگشت و به تدریس و تحقیق مشغول شد. او کتابخانه‌ی شخصی خود را وقف آستان قدس رضوی کرد. قاموس الرجال، قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، بهج الصباغة، الاخبار الدخيلة و رسالة فی تواریخ النبی و الآل از او بر جای مانده است. (ر. ک.: دانشنامه‌ی مجازی مکتب اهل بیت).

۲. «شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی» شخصیت مُبرز روحانی سده‌ی ششم است. او کتابی به نام «بعض مثالب التواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» نوشته است. این کتاب رد و پاسخ به نسبت‌های ناروا و تهمت‌هایی است که یک دانشمند سنی ساکن شهرری (به‌طور احتمال موسوم به شهاب‌الدین تواریخی شافعی) در کتابش به نام (بعض فضائح الروافض: سال ۵۵۵ ه. ق.) نوشته است. (برداشت از مقدمه‌ی کتاب *النقض*)، تصحیح: میرجلال الدین محدث).

۳. [۵ تن] از روستاهای شهر ری است.

انسانی را کم می‌کند و به بلافاصلگی می‌رساند در حقیقت اشک بر امام حسین علیه السلام اشک بر فضیلت است. اشک بر پاکی و خوبی و راستی و درستی و عدالت‌خواهی است و اشکی چنین، ورود به قلمرو پاکی و راستی و عدالت است (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۷۹ و ۷۸۰).

البته بدیهی است تأکید گریستن برای امام حسین علیه السلام فقط گریه برای گریه نیست، بلکه این تأکید، اصرار و دعوت، برای تعالی، خودسازی و حرکت است. گریه بر امام حسین علیه السلام در جایگاه یک عمل عبادی که شایسته‌ی اجر و ثواب فراوان است، همچون سایر عبادات، ارتباطی تنگاتنگ با نیت افراد پیدا می‌کند؛ به‌طوری‌که اگر خالصانه و به قصد تقرب به خداوند انجام شود، و با معرفت و شعور همراه باشد، به بالاترین درجه‌ی پذیرش می‌رسد و فرد را به بالاترین پاداش‌ها می‌رساند. نیز شکی نیست که خداوند هرگز گریه از روی ریاکاری و خودنمایی را نمی‌پذیرد. گریستن و برپایی عزای امام حسین علیه السلام، نه تنها ابراز مودّت، بلکه وسیله‌ای برای حفظ نهضت و آرمان‌های اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است.

استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید: «گریستن و برپایی عزای امام حسین، نه تنها ابراز مودّت، بلکه وسیله‌ای برای حفظ نهضت و آرمان‌های اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است. شکی نیست که اگر این مجالس همراه با اخبار و مطالب سست و ضعیف، و چه‌بسا کذب و نادرست و وهن‌آمیز، برپا شود، هرگز به آرمان‌های امام حسین علیه السلام منتهی نمی‌شود.

۱. درباره‌ی کنیه‌گذاری «اباعبدالله» برای امام حسین علیه السلام چند قول وجود دارد.

الف: در روایتی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز هفتم ولادت امام حسین علیه السلام، او را در دامن خود نهاد و فرمود: «ای اباعبدالله چه بسیار گران است بر من کشته شدن تو.» (قمی، ۱۳۷۹: ۱/۵۲۳).

ب: امام حسین علیه السلام نام یکی از فرزندان خود را عبدالله گذاشت که گویا همان حضرت علی اصغر / رضیع علیه السلام باشد.

ج: در فرهنگ عرب مرسوم است هر کس دارای صفات خاص باشد، در مقام مبالغه، وی را پدر آن صفت می‌نامند؛ مثلاً کسی که دارای صفت بخشش باشد را «ابوالجواد» می‌گویند. امام حسین علیه السلام نیز به دلیل آن‌که در مقام بندگی و اطاعت از خداوند در مرتبه‌ی اعلیٰ قرار دارد، اباعبدالله خوانده شده است.

د: اگر سیدالشهداء علیه السلام در کربلا آنگونه جان نثاری نکرده بود، اسلام از روی زمین رخت بر بسته و مردم به جاهلیت برمی‌گشتند؛ لذا هر کسی بعد از آن حضرت خداوند را پرستش نماید و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را سیره‌ی

خود قرار دهد، همه به برکت وجود مقدس امام حسین علیه السلام است. «لَوْلَا مَا عِبَدَ اللَّهُ وَ لَوْلَا مَا عَرَفَ اللَّهُ» بنابراین ایشان در حقیقت او پدر همه‌ی بندگان خداست؛ زیرا پدر به معنای مربی است و او براساس آن‌چه گفتیم بهترین و عالی‌ترین مربی است. امام حسین علیه السلام علاوه بر کنیه دارای القاب متعددی نیز بوده است، از جمله: «الرشید» «الطیب» «الوفی» «السید

«- الزکی» «المبارک» «التابع لمرضاة الله» «سیدالشهداء» (ر. ک.: بحارالانوار، ۴۳/۲۳۷).